

سنایی، محمد. ترجمه گگ. و. اوسپوف، مسکو: انتشارات مورای، سال ۲۰۰۲، ۱۰۰۰ جلد، ۱۳۰ صفحه.

کتاب بررسی روابط ایران و کشورهای مشترک المنافع توسط گ. و. اوسپوف، مدیر مؤسسه پژوهشهای اجتماعی و سیاسی آکادمی علوم روسیه به روسی ترجمه و چاپ گردیده است. در این کتاب طیفی از موضوعات مختلف شامل زمینه همکاری‌های دوجانبه فرهنگی - تاریخی، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مشکلات و دورنمای توسعه همکاری‌های اقتصادی و توانمندی‌های سیاست بازرگانی و صنعتی ایران در آسیای مرکزی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

گ. اوسپوف ضمن تأکید به بررسی متفکرانه روندهای پیچیده احیای خودآگاهی ملی کشورهای منطقه توسط مؤلف، در مقدمه کتاب مذکور می‌نویسد: تحولات ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی و پیدایش دولتهای مستقل جدید در فضای «شوروی سابق» سبب بروز واقعیات جدیدی در زندگی شده است. سنتهای دیرینه و نظام فرهنگی و مذهبی ملل کهن این سرزمین، در سالهای ترویج تحمیلی ایدئولوژی کمونیستی مسخ شده بود. اما پس از فروپاشی شوروی به نظر می‌رسد که ملتها به حال خود رها شده‌اند و روند کسب خودآگاهی جدید به دشواری جریان دارد. امروزه منطقه تحت تأثیر عوامل عینی مختلف به یکی از چهارراههای کلیدی تاریخ بشریت مبدل گشته است. آنچه مسلم است جهان دچار بحران شدید سیستمی شده و این بحران در

زمینه‌های مختلف اعم از ایدئولوژی، روابط سیاسی و اقتصادی، سلسله مناقشات منطقه‌ای و توسعه فن‌آوری‌هایی که بقای بشریت را با مشکل مواجه نموده، بروز کرده است. جهان با چالش بزرگی مواجه شده و نحوه پاسخگویی به این چالش‌ها آینده ما را تعیین خواهد کرد.

اما سؤال این است که آیا برابرسازی و تطبیق همگان با استانداردهای طرف قوی‌تر، روند غالب خواهد بود یا گفتگوی واقعی تمدنها که در چهارچوب آن هر کس چیزی از جانب خود وارد فرهنگ جهانی کرده و دیگران را سرکوب نمی‌کند به پیروزی خواهد رسید. هریک از آلترناتیوهای عقیدتی معاصر از مبانی نظری و انگیزه‌های اجتماعی خود برخوردار است که در تصمیمات سیاسی و اقتصادی تبلور می‌یابد.

حوادث ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده نشان داد که جستجو برای یافتن پاسخ این سؤال وارد مرحله پایانی گردیده است. علاوه بر آن، روشن شد که نیروهای بانفوذی در جهان وجود دارند که ایده نظم جهانی منسجم، را نمی‌پذیرند. آنها از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند تا قواعد سابق زندگی را در ساختار آتی سیاسی و اقتصادی جهان تعبیه نمایند. در همین راستا، آسیای مرکزی یکی از صحنه‌های اصلی ژئوپلتیک محسوب گردیده و در آن جواب عملی این سؤال طراحی می‌گردد که ما چه انتخابی می‌کنیم و فردا چگونه زندگی خواهیم کرد؟

این واقعیت بخصوص در اقتصاد نمایان است. قوانین عینی در این حوزه از روابط انسانی، باعث پیدایش روند جهانی شدن و سیستم نوین در نظام مالی می‌شود. باید اعتراف کرد، قواعد تنظیم اقتصاد جهانی که بیش از نیم قرن پیش طراحی شده بود، بیش از این پاسخگوی سیستم پیچیده اقتصاد امروزی نیست. به همین دلیل تغییرات در این زمینه ناگزیر به نظر می‌رسد و ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و شاهد تغییرات خواهیم بود. با توجه به شرایط موجود، امروزه، حمل و نقل و دسترسی به منابع طبیعی اهرمهای بسیار مهمی در ایجاد روابط بین‌الملل محسوب می‌گردند و از این روست که آسیای مرکزی نقشی کلیدی در اقتصاد جهان دارا می‌باشد. همان‌طور که می‌دانید اقتصاد تنها حوزه ایجاد مناسبات نبوده و همیشه در خدمت

جهانبینی معینی می‌باشد بنابراین مبارزه اصلی در راه بازسازی آئی جهان، در عرصه ایدئولوژی صورت گرفته و به تعبیر بهتر آسیای مرکزی همان میدان آزمایشی است که تماس عملی فرهنگها و جهانبینی‌های مختلف و ایدئولوژی آینده در آن طراحی می‌شود.

گ. واسیپوف در ادامه می‌افزاید: مؤلف برای بررسی همکاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با دولتهای منطقه اهمیت زیادی قائل شده و بر اشتراک مبانی فرهنگی و تمدنی ملت‌های کشورهای آسیای مرکزی با فرهنگ ایرانی و نیز تجربه عظیم فرهنگی - تاریخی همزیستی منسجم روسیه با جهان اسلام تأکید می‌کند. نگارنده این کتاب ضمن بررسی نقش و جایگاه کشورهای مشترک‌المنافع در سیاست خارجی ایران باسنجیدگی و پراگماتیسم نسبت به مسایل منطقه و توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای تازه استقلال یافته برخورد کرده و بر تاریخی و سنتی بودن روابط و همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی تأکید می‌کند. بررسی نظریات و استراتژی سیاست خارجی روسیه پس از شوروی، تحلیل سنجیده اشتراک و اختلاف مواضع روسیه و جمهوری اسلامی ایران در زمینه همکاری‌های متقابل، سیاست بین‌المللی و مسایل منطقه آسیای مرکزی شایان توجه خاصی است. متأسفانه باید خاطرنشان کرد که امروزه در کشور سیاستمدارانی که تحولات جاری را عمیقاً درک کرده و نقش مهم روابط با ایران را در آینده روسیه در نظر بگیرند کم می‌باشند. اگر روسیه بتواند از امتیازات خود در ایجاد روابط با کشورهای آسیای مرکزی و بخصوص ایران استفاده نماید، بسیاری از مسایل عصر حاضر به صورت منسجم حل خواهند شد. ما باید در چارچوب اقتصاد جهان در حال توسعه، همکاری متقابل با شرکای سنتی و تاریخی را توسعه دهیم و شیوه‌های قابل قبول همگرایی و همکاری در منطقه کلیدی آسیای مرکزی را جستجو نماییم.

کتاب ترجمه شده توسط آقای واسیپوف در ۶ فصل به بررسی روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی می‌پردازد. در فصل نخست آن مؤلف با اشاره به زمینه همکاری‌های دوجانبه فرهنگی - تاریخی ایران با کشورهای آسیای مرکزی می‌نویسد: آسیای مرکزی از دیرباز محل

تلاقی تمدنهای بزرگ و به عنوان پلی میان آسیا و اروپا بوده است. این منطقه با دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۵۰ میلیون نفر، مساحتی بالغ بر ۱۰٪ قاره آسیا را به خود اختصاص داده است. تجربه سیاست ایران در زمینه همکاری‌های فرهنگی - تاریخی، این کشور را به سمت تعمیق همکاری فرهنگی در کشورهای آسیای مرکزی هدایت می‌نماید که این امر از طرق مختلف تأمین گردیده و نتیجه نهایی آن همواره فراهم آوردن کوله‌باری از ارزشهای فرهنگی بوده است. در فصل دوم، با عنوان فاکتورهای خارجی همکاری‌های دوجانبه ایران با کشورهای آسیای مرکزی با اشاره به گرایشهای روسیه‌گریزی کشورهای تازه استقلال یافته، انتقال نفت و گاز و راه‌یابی به آبهای آزاد خلیج فارس در این کشورها، نقش ایران مهم ارزیابی شده و اشاره می‌گردد که سایر کشورها به دلیل بُعد مسافت و پاره‌ای ملاحظات سیاسی قادر به ایفای چنین نقشی نمی‌باشند. پس از فروپاشی شوروی، ایران تلاش می‌نماید تا روابط خود را با روسیه بهبود بخشیده و از نفوذ این کشور در عرصه بین‌الملل بهره‌مند گردد. ایران پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی در راستای همکاری اقتصادی خود با این کشورها اقدام به تأسیس سازمان همکاری‌های اقتصادی اگو نمود که البته به‌نظر می‌رسد در این بازی ایران و روسیه به امتیاز صفر رسیده‌اند چراکه اگو با مخالفت کشورهای آسیای مرکزی مواجه می‌گردد.

در فصل سوم کتاب مذکور مؤلف به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای آسیای مرکزی و سیاست ایران پرداخته و می‌نویسد: ایالات متحده آمریکا در اروپا و شرق از حاکمیت روسیه در آسیای مرکزی صحبت می‌کند. با توجه به این ذهنیت، اگر اقتصاد منطقه را واقع‌گرایانه تحلیل نماییم به این نتیجه می‌رسیم که فروپاشی شوروی برای این کشورها مشکلات مضاعفی را به همراه داشته است. با توجه به سطح همکاری‌های روسیه با کشورهای آسیای مرکزی و هم‌مرز بودن این کشور با همسایگان آسیایی خود، ایران می‌تواند با لحاظ‌گردن تعرفه‌های مالیاتی اقدام به سرمایه‌گذاری در کشورهای آسیای مرکزی نماید. همچنین می‌تواند با احداث واحدهای تولیدی مشترک جهت تولید صنایع کوچک در این کشورها به موفقیت‌های

اقتصادی قابل توجهی نائل گردد. بررسی مشکلات و دورنماهای توسعه همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی در فصل چهارم کتاب مطرح می‌گردد. مسأله حائز اهمیت در این راستا از دیدگاه مؤلف اصول برقراری روابط باثبات داخلی است که قطعاً در برگیرنده امنیت اقتصادی کلیه شرکای استراتژیک (که اصطلاحاً جنوب نامیده می‌شوند) می‌باشد. آنچه در این منطقه پاسخگوست دکترین گفتگوی تمدنهای مطرح شده از سوی آقای خاتمی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با توانمندی‌های عظیم اقتصادی که در منطقه‌ای استراتژیک نیز واقع گردیده نقش مهمی در توسعه اقتصادی این کشورها به عهده دارد. ایران با سیستم ارتباط حمل و نقلی خود می‌تواند کانال اصلی اتصال این کشورها با خلیج فارس و دریای جنوب بوده و آنها را به بازارهای مصرف متصل نماید.

در فصل پنجم کتاب، با عنوان همکاری ایران و کشورهای آسیای مرکزی در زمینه توسعه ساختارها، بیان گردیده است که ایران برای همکاری کشورهای آسیای مرکزی با کشورهای فرامنطقه‌ای اهمیت خاصی قائل است. این واقعیت دارای ریشه‌های عمیق تاریخی می‌باشد. در گذشته، جاده عظیم ابریشم زنجیره اتصال ایران به آسیای مرکزی و چین بود و بدین وسیله غرب و شرق به رغم بُعد مسافت به هم متصل می‌گردیدند. ایران از دیرباز بخش بسیار مهمی از جاده بازرگانی میان آسیا و اروپا محسوب می‌شد. در حال حاضر نیز به یمن استفاده از راه آهن و راههای دریایی، حجم مبادلات منطقه‌ای افزایش یافته و کالا از بندر ترکمن از طریق خط آهن به جنوب ایران ارسال می‌گردد که بازده این مسیر را می‌توان به نوعی تکرار عملکرد جاده ابریشم به‌شمار آورد.

مسیر ایران برای انتقال نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی بهترین مسیر ممکن است. راه آبی ایران و آسیای مرکزی می‌تواند زمینه را برای همکاری‌های دوجانبه و برقراری ارتباط میان طرفین فراهم نماید.

فصل پایانی کتاب بررسی روابط ایران و کشورهای مشترک‌المنافع به بررسی ویژگی‌ها و

توانمندی‌های سیاست بازرگانی - صنعتی ایران در آسیای مرکزی می‌باشد. در این فصل اشاره گردیده که با در نظر گرفتن شرایط سیاسی در آسیای مرکزی کنونی و همچنین ویژگی‌های ژئواستراتژیک هر یک از کشورها که طبیعتاً زمینه را برای ایجاد طرح‌های اقتصادی فراهم می‌کند، همکاری با این کشورها در آینده آسان نخواهد بود. ایران در سال‌های اخیر سعی در افزایش همکاری‌های اقتصادی خود با این کشورها نموده است و با بهره‌مندی از این امتیاز حاکمیت خود بر اقتصاد خارجی منطقه را حفظ کرده و در این راستا موارد ذیل را لحاظ می‌نماید:

۱. احترام به حاکمیت ارضی و منافع طرفین؛

۲. بهره‌برداری از منابع موجود در ایران برای توسعه همکاری‌های اجتماعی و اقتصادی؛

۳. حمایت ساختارهای دولتی از واحدهای اقتصادی و همچنین حمایت از همکاری

ایران با کشورهای آسیای مرکزی؛

۴. حمایت مالی و فنی واحدهای تولیدی و گروه‌های مالی صنعتی کشورهای آسیای

مرکزی که در توسعه داخلی نقش قابل توجهی را ایفا می‌کند؛

۵. اجرای طرح‌های مشترک اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.

فریبا وزیری - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی